

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخن ماه



درحالی از  
مکتب اسلام

اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ ربیع الثانی ۱۳۹۴

شماره ۵ سال ۱۵

جنون برهنگی

\* آنها با این کار جنون آمیز خود نشان دادند که دنیای ماشینی غرب نه تنها از نظر لباس، بلکه از همه ارزشهای واقعی می خواهد برهنه شود ،  
\* عرض اندامهای مکشوف المعوره ها ! در خیابانها و مراکز عمومی در واقع سیلی محکمی بود بر افکار آنها که هنوز امیدی به نجات دنیای سرمایه داری غرب دارند ! وهم آزر خطری برای مقلدان بی اراده آنها !

در میان اشیار ماه گذشته ، خبر چندی آور و نفرت انگیزی بود درباره لخت و برهنه شدن همگی از جوانان با اصطلاح دانشجوی آمریکائی یا اروپائی (البته لخت و برهنه مادر زاد ! ) و تظاهرات آنها به این صورت در مجامع عمومی ، و حتی پیاده شدن یکی از آنها به این صورت با یک چتر نجات از یک هواپیمای کوچک ، و نشان دادن تمام بدن خود به همگان در میان زمین و آسمان !  
این خسرانستی برای بسیاری تکان دهنده بود و به همین دلیل سروصدای زیادی در دنیا برآه انداخت .

ما فکر می‌کنیم کلماتی مانند جنون آمیز؛ احمقانه؛ دیوانه وار، وحشیانه و... نمی‌تواند توصیف صحیحی از این عمل باشد، بهتر این است که از نام آن صرف نظر کرده و کمی به تجزیه و تحلیل آن بپردازیم:

عمل زشت و نفرت انگیز دردنیای امروز کم نیست، حتی امروز جنابانی در جهان به اصطلاح تمدن روی میدهند که نظیر آنرا در هیچ تاریخی از گذشتگان و پیشینیان دور از تمدن، نمی‌توان یافت، اما این جنایات و تجاوزها معمولاً بخاطر پول، مقام، دشمنی، کامجوییهای جنسی و مانند آنها صورت می‌گیرد.

اما لخت شدن بکشمشت دانشجوی دختر و پسر و نشان دادن اسافل اعضای خود به مردم، چه «انگیزه» یا «اثری» می‌تواند داشته باشد؟

می‌گویند منظور آنها «اعتراض» بوده! آیا این هم راه اعتراض است؟ احتمال می‌دهند برای کسب شهرت و ایجاد سروصدا در جرائد و وسایل ارتباط جمعی است؟ آیا ایجاد سروصدا و کسب شهرت به این صورت را بیج آدمی که ذره‌ای عقل داشته باشد تصویب می‌کند؟

آیا در محیطهای ما - که از نظر غریبها عقب افتاده یا در حال رشد است - هرگز به فکر کسی می‌گذرد که بکعبه تحصیل کرده دست به تظاهرات لختی بزند؟ و اگر کسی چنین کاری را بکند کسی در جنون او تردید می‌کند؟ راستی این عمل را چه نام می‌توان داد و انگیزه اصلی آن را در چه چیز باید جستجو کرد؟

\*\*\*

در کتب روانی به يك نوع انحراف روانی بعنوان «کسی بی‌سینیم» یا «انحراف خودنمایی» برخورد می‌کنیم که مبتلایان به آن سعی دارند همه، یا قسمتهائی از بدن خود را در معرض نماشای دیگران قرار دهند.

روانکاوان درباره انگیزه پیدایش آن بحث فراوانی کرده‌اند بعضی از آنها همچون آلفرد آدلر سرچشمه انحراف خودنمایی را غریزه خودخواهی و نفوق

طلبی، و بعضی دیگر همچون فروید یکی از علل آنرا «خود شیفتگی» میدانند. - البته بعضی نیز برای آن انگیزه های جنسی ذکر کرده‌اند که شاید از بحث ما بیرون باشد.

جالب توجه این است که بسیاری از مردان غربی - مخصوصاً هنگامی که به محیطهای شرق قدم می‌گذارند - سعی دارند لباسهای بسیار کوتاه بپوشند و گاهی با يك شورت کوتاه در میان جمعیت راه بیفتند، اگر ما باروانکاوان خودشان هم عقیده باشیم پیدا کردن عامل این انحراف ساده است، خودشیفتگی، نفوق طلبی، خودخواهی که در کمون زندگی ماشینی غرب نفوذ کرده و آنهمه برتری بدون دلیل و مضحک که برای خود نسبت به شرق و شرقیها قائل هستند می‌تواند وجود این پدیده را در زندگی غربی توجیه کند.

به عقیده ما زندگی امروز مردم انگلستان و شکستهای پی‌درپی که صحنه های مختلف زندگی دامگیر آنها می‌گردد، می‌تواند درس عبرتی برای سایر خود شیفتگان باشد، آنهائی که يك روز خود را آقای بلامنازع جهان می‌دانستند، برای خود نفوق غیر قابل انکاری قائل بودند، امروز به چه سرنوشتی گرفتار شده‌اند و چه آینده‌ای در برابر تاریخ آنها خودنمایی می‌کند؟ این نفوق طلبی و خودشیفتگی غرب که از درون و بر وزن زندگی آنها نمایان است سرچشمه‌ای برای بسیاری از پدیده‌های جهان و حواصت دردناک آن است.

\*\*\*

آیا از نظر روانی این برهنگی یکنوع و اکثراً سبب بلیک جوامع سرمایه داری غرب در راه نشان دادن برهنگی مطلق از ارزشهای انسانی نیست؟ و تاچنین برهنگی نباشد، آیا اینهمه در راه کشیدن آخرین رمقهای کشورهای ضعیف و فاصله گرفتن هر چه بیشتر از آنها تلاش و کوشش می‌کنند؟

آیات سوره، مکی است .

\*\*\*

در این سوره نخست از توحید و یگانگی خداوند و نکویش بت پرستی سخن به میان آمده، سپس قرآن و نبوت پیامبر اسلام مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است، و برخی از ابراهیمی و اهل سنت مشرکان را پیرامون قرآن متذکر گردیده و پاسخ گفته است، و سرانجام مسأله اوضاع هولناک رستاخیز را مطرح نموده و نکات و حقایق را متذکر گردیده است و مطلب را با یاد آوری زندگی متهای نیرومند و گردنکشی که طایمان زندگی آنان در اثر طغیان درهم پیچیده شده است، و اثر و نشانی از آنان باقی نمانده، به پایان رسانیده است، تا از این طریق اندرزهای قرآن در قلوب مردم جای بگیرد .

خداوند در آخر سوره یک رشته اصول اخلاقی و اعتقادی و عملی اسلام را به عنوان « نشانه پندگمان خدا » به شکل جالبی مطرح میکند و برای شناسایی پندگمان خدا سیزده نشانی که هر کدام در خود بحث و تجزیه و تحلیل است، یاد آور می شود و به این ترتیب سوره به آخر می رسد .

مضامین آن آیات باشد، شایسته است که آنها را نیز مکی بدانیم ، زیرا مفاد و مضمون آنها بیشتر با محیط مکه سازگارتر است، و موضوع بحث در این سه آیه مسأله توحید و یگانگی خداوندی از پرستش غیر خداوند و جلوگیری از خون ریزی و نجاوری به نوامیس و تهدید گناهکاران با کيفرهای سخت روز ستاخیز است و در پایان این سه آیه نوید می دهد که اگر آنان راه نوبه را پیش گیرند ، خداوند گناهان آنان را می بخشد .

بنابر این مفاد این آیات با اوضاع و احوال مردم مکه که بت پرست و خونریز بوده و از اعمال نامشروع پرهیز نداشتند، بیشتر تطبیق می کند تا با محیط مدینه که محیط اسلامی بوده و از بت پرستی و تجاوز به نوامیس بر اثر نفوذ حکومت اسلام چندان اثری نبود .

خصوصاً که آیات سه گانه با جمله « **والذین لا یدعون مع الله آخراً** » کسانی که با پرستش خداوند ، معبود دیگری را نمی پرستند » آغاز شده است و این نوع احکام عمومی بیشتر با اوضاع مشرکان مکه مناسب است .

بنابر این روشتر این است که بگوئیم مجموع

بقیه از صفحه ۳

تا زنگی در جراند خواندیم که یک روستای ایتوبی به کلمی نابود گردید زیرا کودکان و افراد ناتوان آن از سر مستحقی هر شدند ، و بقیه که برای تهیه آذوقه ای از روستا با طرف رفته بودند در راه از پای درآمدند ، در حالی که در غرب عربده میخواندند و رقص و پایکوبی شب زنده داران و ولخرجهای عجیب و غریب در راه مدبرستی لحظه ای قطع نشد و کسی حتی برای آن مردگان بینوا که ترین تکانی نخورد ، و جوانان آنها به شاهکار اجتماعی و اخلاقی رژه برهنگان مشغول بودند .

آیاتا ظاهرات مکشوف العوره ها نشانه این نیست که تمدنهایی از نوع غربی از درون می پوسد و فرو می ریزد ؟ ! .